

بهره ای از کلام بزرگان

الهی چون تو حاضری چه جویم و چون تو ناظری چه گویم.

الهی چه رسوایی از این بیشتر که گدا از گدایان گدایی کند.

الهی چگونه گویم نشناختمت که شناختمت و چگونه گویم شناختمت که نشناختمت .

الهی از روی آفتاب و ماه و ستارگان شرمنده ام از انس و جان شرمنده ام حتی از روی

شیطان شرمنده ام که همه در کار خود استوارند و این سست عهد ناپایدار .

الهی رجب بگذشت و ما از خود نگذشتیم و تو از ما بگذر .

برگرفته از الهی نامه علامه حسن زاده آملی (حفظه الله)

ماهنامه میشتکات جمعه اول هر ماه پس از نماز جماعت مغرب و عشاء

توزیع می گردد.

از مسجد چه خبر؟

- ولادت امام محمد تقی (ع)
- ولادت امام علی (ع)
- وفات حضرت زینب
- رحلت امام خمینی (ره)
- شهادت امام موسی کاظم(ع)
- مبعث حضرت رسول اکرم (ص)
- ولادت حضرت ابوالفضل العباس(ع)
- ولادت حضرت امام زین العابدین(ع)
- ولادت حضرت علی اکبر(ع)
- ولادت حضرت قائم (عج)

تهیه و تنظیم:

واحد فرهنگی کانون بقیه الله

مسجد صاحب الزمان (عج) رضی آباد پایین

E-Mail: Sahebazam@mailfa.org

www.shr-baghiyatalah.ir

میشتکات

شماره ۲

آخرداد ۱۳۹۲

مولا علی (ع) می فرمایند:

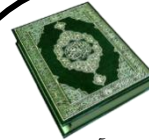
« رَحِمَ اللَّهُ امْرَأً تَفَكَّرَ فَأَعْتَبَرَ، وَاعْتَبَرَ فَأَبْصَرَ »

خداوند رحمت کند کسی را که اندیشه کند و عبرت گیرد،

و عبرت بگیرد و بصیرت پیدا کند.

نهج البلاغه - خطبه ۱۰۳

قرآن کتاب هدایت



فتنه چیست؟

فتنه در اصل لغت به معنای قراردادن طلا در آتش برای به دست آوردن خالصی آن است. از این رو می توان گفت با فتنه سره از ناسره و حق از باطل جدا می شود. در قرآن کریم فتنه در معانی متعددی به کار رفته است. از جمله: امتحان، آزمون، سختی، بازداشتن از دین، آشوب و اختلال در امور دین اشاره کرد. در مجموع در قرآن کریم کلمه فتنه به دو معنا بکار رفته است.

۱- در موارد زیادی فتنه به معنای آزمایش بکار رفته است. به عنوان نمونه:

«اعْلَمُوا أَنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ»: بدانید اموال و اولاد شما، وسیله آزمایش است. (انفال، آیه ۲۸)

۲- در مواردی دیگری فتنه به معنی آشوب بکار رفته است. به عنوان نمونه:

«الْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ»: فتنه سخت تر از کشتن است. (بقره، آیه ۱۹۱)

در توضیح و تفسیر این دو معنای آشوب و آزمایش، باید گفت: هر دو مورد در واقع به یک معناست، چرا که هر دو از مصدر "فِتْن" به معنای آزمایش می باشند و در هر دو معنا اضطراب وجود دارد، یعنی اضطراب و نگرانی هم در آزمایش است هم در آشوبها. حال اگر این اضطراب و نگرانی فردی باشد به معنای آزمایش است اما اگر این اضطراب و نگرانی توسعه پیدا کند وارد جامعه شود، به معنای آشوب است. به طور مثال اگر ما نسبت به عملکرد و یا عزل و نصب ها انتقاد و اعتراضی داشته باشیم باید نسبت به ارائه انتقاد سازنده اقدام نمائیم. حال اگر مسئولین انتقاد و اعتراض ما را پذیرفتند و نواقص اصلاح شدند، که مراد حاصل شده، اما اگر پاسخی برخلاف میل ما دادند چه می کنیم؟ آیا سکوت می کنیم و یا اینکه تفکر و اندیشه خود را به روزنامه ها، سایت ها و ... می کشانیم؟ اگر روش دوم را برگزینیم و تفکر و اندیشه خود را به سطح جامعه بکشانیم در واقع آشوب (به معنای دوم) کرده ایم که امری مذموم و ناپسند است و از منظر قرآن کریم از قتل هم بدتر است.

قرآن یکی از راه های ایمنی از فتنه ها

پیامبر(ص) فرمود: « إِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمُ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ فَإِنَّهُ شَافِعٌ مُشَفَّعٌ وَ مَاجِلٌ مُصَدَّقٌ»: هر گاه آشوبها چون شب تاریک بر شما فرود آید به قرآن تمسک جوید، زیرا قرآن شفیع است که شفاعتش پذیرفته است. گزارش بدیها را می دهد و گفته او تصدیق می شود.

احکام

امر به معروف و نهی از منکر چه شرایطی دارد و در این مورد وظیفه چیست؟

پاسخ: اگر کسی واجبی را انجام نمی دهد و یا معصیتی را به جا می آورد، در صورت تحقق شرایط ذیل بر دیگران واجب است او را امر به معروف و نهی از منکر نمایند: ۱) علم به حکم شرعی؛ ۲) احتمال تأثیر؛ ۳) اصرار بر ترک واجب و یا انجام دادن معصیت؛ ۴) عدم مفسده؛ و اگر کسی مستحبی را ترک و یا مکروهی را به جا می آورد، امر به معروف و نهی از منکر او مستحب است. (مسأله ی ۱۶۰۸ رساله).

با وجود مراکز فرهنگی و نظارتی متفاوت در جامعه، آیا می توان امر به معروف و نهی از منکر را از خود ساقط دانست؟

پاسخ: با وجود شرایط آن، بر همگان لازم است.

برگرفته از استفتائات حضرت آیت الله العظمی بهبخت(ره)

بدون شرح



چقدر خنده داره که

یک ساعت خلوت با خدا طاقت فرساست، ولی ۹۰ دقیقه بازی یک تیم فوتبال مثل مثل باد می گذره!

پنجاه هزار تومان کمک در راه خدا مبلغ بسیار هنگفتیه، اما وقتی که با همون مقدار پول به خرید می رویم کم به چشم میاد!

یک ساعت عبادت در مسجد طولانی به نظر میاد اما یک ساعت فیلم دیدن به سرعت می گذره!

وقتی می خواهیم عبادت و دعا کنیم هر چی فکر می کنیم چیزی به فکرمون نمیاد تا بگیم، اما وقتی که می خواهیم با دوستان حرف بزنیم هیچ مشکلی نداریم!

خواندن یک صفحه و یا بخشی از قرآن سخته اما خواندن صد سطر از پرفروشترین کتاب رمان دنیا آسونه!

وصیت نامه شهید حسین بیدخ



چنان زندگی کن که از رفتن وحشت نداشته باشی.

آنان که به هزار دلیل زندگی می کنند نمی توانند به یک دلیل بمیرند و آنان که به یک دلیل زندگی می کنند با همان یک دلیل نیز می میرند.

بعد از یک عمر گناه، حال باید در یک آزمایش الهی آماده سفر مرگ شوی، بعد از یک عمر معصیت، حال باید افسوس یک عمر خطا را بخوری. بعد از یک عمر خنده، حال باید نشست و بر یک عمر اشتباه رفتن و نفهمیدن گریست. دیگر جای خنده نیست. بعد از یک عمر حساب نکردن، حال باید حساب پس داد: ((حاسبوا قبل ان تحاسبوا)) دیگر چاره ای جز گریه نیست، گریه به حال خویش و افسوس بر گذشته ای که هرگز به عقب بر نمی گردد. **خواهرم! حجاب** تو سنگری چون خون من است، می دانم بالاتر از آن هستی که سفارش به پوشش و حجاب کنم ولی بدان تفنگی که در دست من است چادری است که بر سر توست، اگر میل به سلاحم داری چادرت را سلاحم بدان. **برادرم!** زندگی چند صباحی بیش نیست، نیامده می گذرد، آن چنان سریع می گذرد که رود به دریا می پیوندد. چنان زندگی کن که فردا برای رفتن وحشتی نداشته باشی. خدایا گناهکارم! خطا از من است می دانم همیشه مغلوب نفسم شده ام، خدایا! از من درگذر که جز گذشت تو منزلگاه من جز دوزخ نیست.

خدایا! ای مهربانترین مهربانها! ای عزیزترین عزیزانم! ای زیباترین زیبارویان در نزد ما ای سریع الرضا ای کاشف البلاهه هر نحو می خواهی مرا بکشی، بکش، به هر گونه می خواهی مرا ببری، ببر.

شهید حسین بیدخ در ۱۹ سالگی و در عملیات بیت المقدس در سال ۱۳۶۱ به شهادت رسید.

شادی روحش صلوات

فتنه در کلام امیر المومنین (ع)

نهج البلاغه

«كُنْ فِي الْفِتْنَةِ كَابِنِ اللَّبُونِ؛ لَا ظَهْرٌ فَيْرُكَبَ وَ لَا صَرْعٌ فَيُحَلَبُ».

در فتنه ها همچون بچه شتر دو ساله باش که نه پشت سواری دارد و نه پستان شیر دادن.

نهج البلاغه کلمات قصار - حکمت ۱

علل پیدایش فتنه ها

همانا آغاز پدید آمدن فتنه ها، هوا پرستی، و بدعت گذاری در احکام آسمانی است، نوآوری هایی که قرآن با آن مخالف است، و گروهی (با دو انحراف یاد شده) بر گروه دیگر سلطه و ولایت یابند، که بر خلاف دین خداست. پس اگر باطل با حق مخلوط نمی شد، بر طالبان حق پوشیده نمی ماند، و اگر حق از باطل جدا و خالص می گشت زبان دشمنان قطع می گردید، اما قسمتی از حق و قسمتی از باطل را می گیرند و به هم می آمیزند، آنجاست که شیطان بر دوستان خود چیره می گردد و تنها آنانکه مشمول لطف و رحمت پروردگارند نجات خواهند یافت.

نهج البلاغه - خطبه ۵۰

راه های برخورد با فتنه ها

حضرت امیر علیه السلام در مورد نحوه برخورد با فتنه ها می فرمایند:

«أَيُّهَا النَّاسُ، شَقُّوا أَمْوَاجَ الْفِتَنِ» ای مردم موجهای فتنه و آشوب را بشکافید.

یعنی نگذارید امواج آشوب و فتنه تراکم پیدا کند، چرا که سبب می شود عظمت تاریکی و گمراهی آن بیشتر شود. اما به فرموده حضرت در ادامه همین خطبه، این شکافتن و تکه تکه کردن میسر نمی شود. مگر بوسیله:

- روی آوردن به کشتی های نجات، که مراد اهل بیت پیامبر(ص) می باشد.
- دوری از اختلاف ها و پراکندگی ها
- زمین گزاردن تاج مفاخرت و فخر فروشی
- تقوای الهی
- روی آوردن به قرآن

نهج البلاغه - خطبه ۵۰

دل عزرائیل برای چه کسانی سوخته است؟

روزی رسول خدا (ص) نشسته بود، عزرائیل به زیارت ایشان حضرت آمدند. پیامبر(ص) از او پرسید:

ای برادر! چندین هزار سال است که تو مأمور قبض روح انسان ها هستی آیا در هنگام جان کندن آنها دلت برای کسی سوخته است؟ عزرائیل گفت در این مدت دلم برای دو نفر سوخت:

۱- روزی دریایی طوفانی شد و امواج سهمگین آن یک کشتی را در هم شکست همه سر نشینان کشتی غرق شدند، تنها یک زن حامله نجات یافت او سوار بر پاره تخته کشتی شد و امواج ملایم دریا او را به ساحل آورد و در جزیره ای افکند و در همین هنگام فارغ شد و پسری از وی متولد شد، من مأمور شدم که جان آن زن را بگیرم، دلم به حال آن پسر سوخت.

۲- هنگامی که شداد بن عاد سالها به ساختن باغ بزرگ و بی نظیر خود پرداخت و همه توان و امکانات و ثروت خود را در ساختن آن صرف کرد و خروارها طلا و جواهرات برای ستونها و سایر زرق و برق آن خرج نمود تا تکمیل نمود. وقتی خواست به دیدن باغ برود همین که خواست از اسب پیاده شود و پای راست از رکاب به زمین نهد، هنوز پای چپش بر رکاب بود که فرمان از سوی خدا آمد که جان او را بگیرم، آن تیره بخت از پشت اسب بین زمین و رکاب اسب گیر کرد و مرد، دلم به حال او سوخت بدین جهت که او عمری را به امید دیدار باغی که ساخته بود سپری کرد اما هنوز چشمش به باغ نیفتاده بود اسیر مرگ شد.

در این هنگام جبرئیل به محضر پیامبر (ص) رسید و گفت ای محمد! خدایت سلام می رساند و می فرماید: به عظمت و جلالم سوگند شداد بن عاد همان کودکی بود که او را از دریای بیکران به لطف خود گرفتیم و از آن جزیره دور افتاده نجاتش دادیم و او را بی مادر تربیت کردیم و به پادشاهی رساندیم، در عین حال کفران نعمت کرد و خود بینی و تکبر نمود و پرچم مخالفت با ما بر افراشت، سر انجام عذاب سخت ما او را فرا گرفت، تا جهانیان بدانند که ما به آدمیان مهلت می دهیم ولی آنها را رها نمی کنیم .

منبع: تفسیر مجمع البیان، ج ۱، ص ۴۸۶ و ۴۸۷ .

اوصاف این بهشت بسیار پر زرق و برق در شهر اِرم، در کتاب مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۴۸۶ و ۴۸۷ آمده است .

جوامع الحکایات / محمد عوفی

روزگار غریبی اسلام در آخرالزمان

یا صاحب الزمان

رسول گرامی اسلام (ص) فرمودند:

زمانی بر مردم بیاید که چهره هایشان چهره های آدمیان ولی دل هایشان دل های شیاطین باشد، بسان گرگان درنده خونریز باشند. از منکرات اجتناب نکنند، پیوسته به کارهای ناپسند خویش ادامه دهند، اگر در جمع آنها باشی به تو دروغ گویند و اگر خبری برایشان بازگویی تو را دروغگویی شناسند و چون از آنها غایب باشی غیبت کنند ...

در جایی دیگر رسول خدا فرمود: زمانی بر مردم بیاید که شکم هاشان خدایان آنها شود، و زنانشان قبله گاهشان و پول شان دین شان شود و کالاهای دنیوی را مایه شرف و اعتبار و ارزش خویش دانند. از ایمان جز نامی و از اسلام جز آثاری و از قرآن جز درس نماند. ساختمان های مسجدهایشان آباد باشد ولی دل‌هایشان از جهت هدایت خدا خراب شود...

اصحاب از سخنان آن حضرت سخت به شگفت آمدند و گفتند: یا رسول الله! مگر آنها بت پرست هستند؟ پیامبر فرمود: آری هر پول و درهمی به نزد آنها بتی است که در حد پرستش به آن تعلق خاطر دارند.

حضرت در جایی دیگر فرمود: روزگاری بیاید که مردم شان آنچنان از علما بگریزند که گوسفند از گرگ گریزد. در آن هنگام، خداوند آنها را به سه بلا دچار سازد: نخست آنکه برکت از مالشان بگیرد، دوم: ستمگران را بر آنها مسلط سازد و سوم آنکه بی ایمان از دنیا بروند. یکی از اصحاب از پیامبر پرسید: یا رسول الله دین مردم شان چگونه خواهد بود؟ پیامبر فرمود: زمانی بر مردم بیاید که هر کس دین خویش را به سختی حفظ کند. دینداری شان بسان کسی ماند که آتش در دست خود نگه دارد.

بحار الانوار جلد ۲۲ ص ۴۵۳ و کنز الاعمال

تمام حماقت بشریت این است که فکر می کند، ظهور یکی از راه های نجاتش است

ولی نمی داند که ظهور تنها راه نجات بشریت است.